

تفاوت ماصدق انقواب و کودتا در یک کلمه است ده، یعنی است که: انقواب همه چیز را
 بپوشد که باید عوض شود، عوض می کند؛ اما در کودتا، فقط رژیم ها که است که عوض می شود.
 ملت ایران در آغاز حرکت فو اکبرس، علیه همه بنیاد های فاسد اجتماعی، جهتگیری کرد؛
 و آنچه جانفشانی گانه، تا حکومتی اسلامی، با نظر های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلامی
 بوجود آورد؛ نه اینکه رژیم های پارتی را براندازد، و رژیم جمهوری را تأسیس کند،
 هر چند لقب «اسلامی» به آن جمهوری بخشد؛ بیشتر

درست است که «انقواب» زودرس است؛ و بوسیله آن رژیم و ستم و قتل های بی پایانی بود که
 آنرا سر قط کرده؛ و در چنین حالتی، نیرو های یخته و آمم برای ادا آن شوند گرانگه مملکت
 سجد لانی، پرورش نمی یابند (وزمانی که های حجتی گمانی در سنج بود در حضور وی بوسیده چند
 نفر از روحانیان که به نجف می رفتند، یعنی مطالب را به خدمت امام سفارش کردم، و آنکه
 نمودم که از حالا باید تمام ۹ در ۶۱ لازم شخصی شوند)؛ و درست است که در چنین حالتی
 ممکن است افرادی ضعیف، و طایفی را بعد گیرند؛ اما آنچه بپوشد و به نیتوان از آن
 پیش پوشید، آنانی است که مردم دانسته؛ و جاه بیدادند تا آنرا بستانند.

یعنی آنال و آرزو را در سه عهد، خلاصه می کنیم: ۱- تادی حقوق ملی و فو مندی و
 و اجتماعی همه ملل اسلامی ایران. ۲- تادی سیاسی کشور و تسبیح. ۳- تادی حقوق
 اجتماعی و اقتصادی همه افراد. پس از اولین بار که خدمت امام خمینی رسیدم، به اجتماع

تحقیق گزینیه وزارت خارجه - بنابر عورت قبلی - پیوسته ؛ و در اوافر بجهت طولانی، انرا کردم
که بر راه من تا تحقیق مل لینه اگر مانای اسلامی ازاره دارد.

خبر روزیت در راه هستم ؛ در شب باریت اندر لکراه حکومت فعلی بجهت مکتب منقذ
بجای اینکه نگاه انقلابی اسلامی معنی، می بینم که یوازی یوازی، تا مانده می رژیم من بر وحشی
مار که از ترس دشمنان انقلاب، با لطائف الحیل، دارند بدامن انقلاب میخیزند !! و معلوم است
که سر منزل چنینی انقلابی، با نفوذ و وحشی ورود لینه غی صبر، کمی خواهد بود.

تنها چیزی که نمیتوان آنرا انکار کرد لینه است که : رژیم من بر سرنگون شده. اما
آنچه جای همان رژیم را میگیرد، باز نمیتوان انکار کرد، که نامی دیگر دارد !
راستی، نهاد حرکت، از آغاز تا پایان، انقلابی بود؛ اما - اگر وضع بر همین خوال
پیش رود - فرزند انقلاب، چیزی جز کودتا نخواهد بود !

و باز اخطار میکنم که حرکت من - در چنین فرضی - هنوز ادامه دارد.

والسلام. تهران ۱۳۰۷/۱۲/۵۷
احمد مصطفی زاده